

راهکارهای عدالت قضایی از دیدگاه مقام معظم رهبری

تهیه و تنظیم: مجتبی جاویدی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی
دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

تذکر مهم: در هر یک از سرفصلهای ذیل شواهد بسیاری وجود دارد. اما به دلیل رعایت اختصار، تنها به پارهای از شواهد در هر مورد اشاره می‌شود.

الف) نفوذناپذیری

۱) نفوذناپذیری از جریانات سیاسی

این غلط است که اگر مجرم به یک مجموعه‌ی سیاسی وابسته باشد، باید در مقابل او کوتاه آمد؛ چرا؟ چون اگر مجرمیت او مورد تأکید قوه‌ی قضاییه قرار بگیرد، جنجال خواهد شد! قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ»؛ اگر قضاوتی که می‌شود، برخلاف مصلحت آنها باشد، جنجال می‌کنند؛ اما اگر برطبق میل و نظر آنها باشد، آن وقت آن را قبول می‌کنند! بعد می‌فرماید: «إِنِّي قَلْبِهِمْ مَرَضٌ». این قضاوت قرآن است. (۷۹/۴/۷)

۲) نفوذناپذیری از ثروت

در دنیا ثابت شده است که زور پول از خیلی چیزهای دیگر بیشتر است. الان خیلی از هدفهای صهیونیستی در دنیا با قدرت پول اعمال می‌شود. یکی از بزرگترین خطرات حکومت‌هایی که معتقد به مبنایی هستند، این است که صاحبان پول بتوانند در ارکان حکومت اعمال نفوذ کنند؛ اینها همه چیز را خراب می‌کنند. هر بخشی از نظام اگر تحت تأثیر زرمندان و ثروتمندان قرار گرفت، ضایع خواهد شد. در این زمینه، از همه بدتر قوه‌ی قضاییه است. باید خیلی مراقب باشید خدای نکرده چنین چیزی برای این قوه پیش نیاید. (۸۱/۴/۵)

قوه‌ی قضاییه بازوی قدرتمندی است که هر جا انحراف و تخلفی از این حالت پیدا شد، باید گریبان متخلف را بگیرد و رها نکند؛ این وظیفه‌ی بزرگ قوه‌ی قضاییه است؛ از جوسازی و از حمله و تهاجم و اتهام و بدگویی هم نباید ترسید و تحت تأثیر تشهر و قدرت‌نمایی و قدرت‌طلبی و پول و پولدار و بقیه‌ی چیزها هم نباید قرار گرفت؛ باید روی این مسائل تکیه کرد؛ قوه‌ی قضاییه به قاضی ببیندش. (۸۲/۴/۷)

۳) قاطعیت و اقتدار

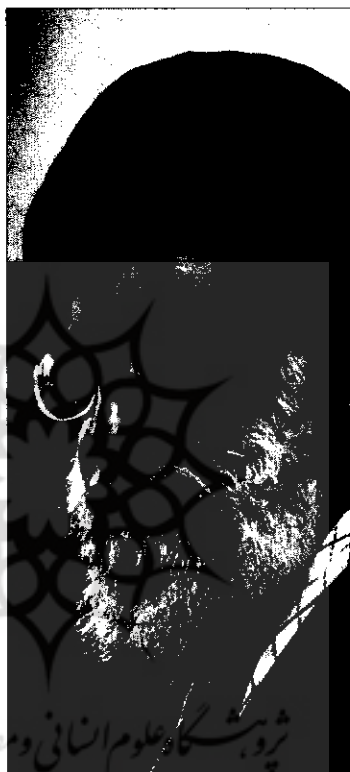
آنچه که بنده به‌عنوان یک طلبه‌ی مسئول

نمایی کسانی که به زر و زور مسلحند، جلوگیری کند. (۷۹/۴/۷)

آفت جوامع بشری این است که کسانی با داشتن پول، با داشتن پشتبان، با داشتن قوم و عشیره - چه قوم و عشیره به شکل قدیمی آن، چه قوم و عشیره به شکل مدرن و امروزی آن؛ یعنی حزب بازی و گروه بازی - حقوق عمومی را ندیده بگیرند؛ حق مردم را تضییع کنند؛ فرصت‌ها را منحصراً به اشغال خود در بیاورند و جلوی عدالت را بگیرند. قوه‌ی قضاییه مقتدر، با صلابت، هوشمند و عالم می‌تواند جلوی این‌ها را بگیرد. (۷۹/۴/۷)

۴) برخورد با دارندگان ثروت‌های بادآورده در مقابله‌ی با متخلف، نباید کوتاهی و اغماض کرد، تا کسانی که از آن تخلف زیان می‌بینند، امیدوار بشوند. وقتی ما می‌گوییم دستگاه - چه دستگاه قضایی، چه دستگاه قانونگذاری، چه دستگاه انتظامی و غیره - با کسانی که با ثروتهای عمومی بازی می‌کنند و برای دست انداختن به درآمدهای ناپاک و نامشروع حدی قائل نیستند، باید برخورد کند، به خاطر این است. کسانی هستند که تلاش می‌کنند و حقیقتاً در صدد این هستند که طبقه‌ی ممتازی جدیدی در نظام جمهوری اسلامی به وجود بیاورند و به خاطر انتخاب‌ها و انتصاب‌ها و زرنگی‌ها و دست و پاداری‌ها و مشرف بودن بر مراکز ثروت، و از طریق نامشروعی که با زرنگی آن را یاد گرفته‌اند، به اموال عمومی دست بیندازند و یک طبقه‌ی جدید - طبقه‌ی ممتازان و مرفهان بی‌درد - درست کنند. نظام اسلامی، با مرفهان بی‌درد و معارض و مخل، آن‌طور برخورد سختی کرد؛ حالا از درون شکم نظام اسلامی، یک طبقه‌ی مرفه بی‌درد جدید طلوع بکند. مگر این شدنی است؟! به فضل پروردگار، مخلصان انقلاب و اسلام نخواهند گذاشت که چنین انحراف‌های بزرگی به وجود بیاید. (۷۶/۴/۵۲)

ب) توجه به عدالت و مبارزه با ظلم در



از قوه‌ی قضاییه انتظار دارم، همان چیزی است که ما چهره‌ی زیبا و منور آن را در قضاوت امیرالمومنین (علیه‌السلام) الله‌الملك الحق المبین در تاریخ مشاهده می‌کنیم: آن عدالت قاطع، آن عدالت بی‌ملاحظه، آن عدالت فراگیر، آن عدالت امیدوارکننده، آن عدالتی که در آن افراد ضعیف و معمولی جامعه در مقابل قانون و معامله‌ی قانونی، با افراد مقتدر و قدرتمند یکسانند. در اسلام این‌طوری است؛ در قانون اساسی ما هم این‌طوری است. (۷۹/۴/۷)

قوه‌ی قضاییه می‌تواند مظهر عدالت در نظام اسلامی باشد. قوه‌ی قضاییه، با صلابت، با اقتدار، با تصمیم‌گیری درست و بهنگام می‌تواند جلوی پیدایش و رشد جرایم و توسعه‌ی خلاف در دستگاه‌های مختلف را سد کند؛ از ظلم به مظلومان و مستضعفان جلوگیری کند؛ از قدرت

کلیه امور
عدالت، حق، قسط
قوه قضاییه، قاضی
امنیت قضایی، جرم
پیشگیری، ارزیابی
عمومی، قانون
تسهیل، بروی، اقتدار

دیگری است. حکومت و قوانین ما اسلامی است و طبیعتاً قسط و عدل، جز با انطباق به قوانین اسلامی تحقق پیدا نمی‌کند. هرچه خلاف اسلام بود، عدل و قسط نیست؛ بلکه ظلم است. این، بحثی جداگانه است. به هر حال، آنچه که بالاخره عدل و قسط از آب در خواهد آمد، بایستی هدف اول قوه قضاییه باشد. (۶۸/۲/۲۰)

در تمام مراحل، مسؤولان بخشهای مختلف و قضاتی که خودشان مباشرتاً امر قضاوت را اجرا می‌کنند و دستگاه‌های دادرها و مقدمات قضاوت و دادستان‌ها و بازپرس‌ها و ضوابط قضایی و کسانی که می‌خواهند حکم قاضی را اجرا کنند و کسانی که از مقدمات تا زندان و یا بازداشت موقت مدخلیت دارند و مجازات‌های گوناگون را اجرا می‌کنند و نیز کسانی که در این مجموعه کار راه می‌اندازند، اعم از پشتیبان‌ها و دفتردارها و غیره، باید مقصودشان این باشد که عدل اقامه بشود. این فرهنگ باید در قوه قضاییه به‌وجود آید. (۶۸/۶/۲۰)

۲) اصلاح و مبارزه با ظلم، شأن قوه قضاییه
شأن قوه قضاییه این است: شأن تصحیح، شأن اصلاح و شأن مبارزه با ظلم و ناحق. (۷۴/۴/۷)
آنچه امروز و همیشه به قوه قضاییه می‌گویم این است که، شأن قضا و قضاوت را در نظام اسلامی در نظر بگیرید، سپس شأن قوه و کار قضاوت خودتان را با آن بسنجید. قطعاً فاصله وجود دارد. امسال این فاصله را اندازه‌گیری کنید، و تلاش کنید تا سال آینده فاصله را کم کنید، و باز فاصله را بسنجید. ببینید آیا به سمت انطباق واقعیت قوه قضاییه خودتان با آن قوه قضاییه مطلوب اسلامی حرکت کرده‌اید؟ آیا این حرکت شما معقول و سریع بوده است، یا خیر؟ اگر «خیر»، سعی کنید این سرعت را به حد لازم برسانید. (۷۴/۴/۷)

۳) قانون‌گرایی بدون تبعیض

نکته‌ی [مهم] قانون‌گرایی در قوه قضاییه است ... در همین‌جا مایلم قدری راجع به قانون صحبت کنم. به نظر من، قانون‌گرایی در قوه قضاییه، اهم امور است. اصلاً ملاک عدل و اقامه‌ی آن، قانون است. اگر چیزی بر طبق قانون تحقق پیدا کرد، عدالت است و خلاف عدالت آن است که برخلاف قانون انجام بشود. اصلاً ما که می‌گوییم باید در قوه قضاییه‌ی جامعه‌ی اسلامی و یا در هر جامعه‌ی دیگر عدل اجرا بشود، یعنی ما یک سری قوانین را معتبر می‌دانیم و آن را در وسط می‌گذاریم و همه چیز را یا آن می‌سنجیم و هرچه که بر قانون منطبق شد، عدل است و هرچه که منطبق نشد، عدل نیست. در حال حاضر، ما قوانین متناقض و خلاف شرع و مبهم داریم. آنچه

که خلاف شرع است، اعتبار ندارد. ملاک قانون، شرع است. اگر واقعاً در قوانین نقضی داریم، از این بعد نقص را برطرف کنیم. (۶۸/۶/۲۰)
اصلاح‌سازی دستگاه قضایی، در درجه‌ی اول به این است که ما کاری بکنیم که شمول قوانینی که قضاوت بر اساس آنها انجام می‌گیرد، نسبت به همه‌ی افراد یکسان باشد و تبعیضی وجود نداشته باشد. (۷۰/۴/۵)

در قانون اساسی، رهبری، رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه و دیگر مسؤولان کشور، با آحاد مردم در قبال قوانین هیچ تفاوتی ندارند. هیچ کس بالاتر از قانون نیست. قانون اساسی اختیاراتی را به کسانی می‌دهد. قانون اساسی به قاضی می‌گوید محکوم کن یا تبرئه کن؛ حکم قضایی صادر کن؛ به رهبری هم می‌گوید با ملاحظه‌ی این جهات عفو کن؛ این مافوق قانون حرکت کردن نیست؛ این متن و مَر قانون است. قانون برای همه یکسان است. برای کسانی که گره‌هایی را باز کنند، راه‌هایی را بکشایند و مشکلاتی را حل نمایند، مسؤولیت‌هایی وجود دارد. (۷۹/۴/۷)

۴) مبارزه با فساد در قوه قضاییه

مسأله‌ی امنیت قضایی که در برخورد و مراجعه و مواجهه‌ی با دستگاه قضا مردم احساس امنیت کنند، بسیار مهم است؛ این نگاه بسیار دقیق و حساس و جستجوگر را در درون قوه قضاییه می‌طلبید. بحمدالله ما در قوه قضاییه، قضات پاکدامن، شریف، دانا، مسلط بر کار و با وجدان خیلی داریم. الحمدالله بدنه‌ی قوه قضاییه، بدنه‌ی بسیار خوبی است؛ منتها در هر مجموعه‌ای باید همیشه انسان این بیم را داشته باشد که آدم‌های سست بنیاد، سست عقیده و سست عمل حضور دارند؛ از این احتمال نباید صرف‌نظر کرد؛ باید دایم مثل دوربینی که با نورافکن محوطه‌ای را جستجو می‌کند، چشمهای جستجوگر مسؤولان عالی‌قوه به‌طور دائم در داخل قوه قضاییه جستجو کند؛ آنگاه امنیت قضایی به معنای واقعی کلمه به‌وجود آید. (۸۲/۴/۷)

۵) برخورد عادلانه به دور از جنجال

در بخش قضایی، برخورد با مواردی است که از پیشگیری [از جرم] عبور کرده‌اند. و جرم اتفاق افتاده است. آن‌جا نوبت دستگاه قضایی است. البته تا امروز هم، بیشتر از صد مورد از موارد مهم و کلان را دنبال کرده‌اند، منتها نباید جنجال کنند. (۸۲/۲/۲۲)

ج) رسیدگی مناسب به پرونده‌ها

۱) دقت و سرعت در رسیدگی

لازم است آقایان محترم به‌طور خاص نسبت به میزان دقت و سرعت عمل در رسیدگی بر

پرونده‌ها و نیز اطمینان از انطباق احکام صادره‌ی دادگاه‌ها با قوانین کشور و ضوابط شرع مقدس، بررسی نمونه‌ای به عمل آورد. (۶۹/۱۱/۸)

۲) اولویت‌بندی در رسیدگی

نکته‌ی [مهم] این است که در دنبال‌گیری مشکلاتی که در جامعه وجود دارد، واقعاً اهم و مهمی درست کنیم. یعنی هیأت رئیسه و سیاستگذاران دستگاه قضایی - هر مجموعه‌ای که هستند - بنشینند موارد را "الاهم فی‌الاهم" کنند و مهمترین آنها را دنبال نمایند؛ چون واقعاً امروز در جامعه موارد بدی وجود دارد که همه را باید دستگاه قضایی دنبال کند. ببینیم واقعاً کدام‌ها را بایستی در درجه‌ی اول قرار داد. الآن مثلاً در جامعه فساد و ارتشاء و جرایم ضد انقلابی و براندازی و خدعه و تزویر و جعل و امثال این‌ها وجود دارد. در میان این موارد، کدام از همه مهم‌تر است؟ من خیال می‌کنم اگر بخواهیم دنبال اهم بگردیم، همین مسأله‌ی فسادهای مالی و اخلاقی و ارتشاء و تزویر و امثال این‌ها، چیزهایی است که بخصوص از مردم سلب امنیت می‌کند و واقعاً در رتبه‌های بالا قرار می‌گیرند. (۶۸/۶/۲۰)

عدالت، عرض عریضی دارد؛ گاهی در یک مراجعه‌ی خصوصی است - دعوا سر فلان مقدار پول، چند متر زمین، وقوع یک جنایت، ضرب و جرح و از این قبیل چیزهاست - گاهی در یک مسأله‌ی مهم‌تر است؛ آن‌جایی است که به سرنوشت و حقوق و مسیر زندگی مردم ارتباط پیدا می‌کند؛ گاهی یک امر مالی بزرگ است؛ کسانی دست تطاول به سوی اموال متعلق به مردم و فقرا می‌کشایند؛ قرض بفرمایید هزاران انسان یا هزاران خانواده در روستا و یا در شهر باید با صرف میلیی جاده‌دار و کارخانه‌دار شوند، امکانات زندگی و شغل و مزرعه و غیره برایشان فراهم شود؛ بعد یک انسان زیاده‌طلب و متجاوز می‌آید و همین پولی را که باید صرف این همه کار شود، یکجا به کیسه‌ی مطامع شخصی خود می‌ریزد؛ این جرم، خیلی بزرگ‌تر است از این‌که یک نفر مثلاً به صورت دیگری سیلی بزند؛ البته آن هم جرم است و از آن هم نباید گذشت؛ اسلام حتی «ارش‌الخدش» را نادیده نمی‌گیرد - اگر با ناخن، اثری بر روی پوست کس دیگری گذاشتید، چنانچه طرفه مدعی باشد، اسلام از این هم نمی‌گذرد - اما جرایم، عرض عریضی از زمین تا آسمان دارد. بعضی جرایم در اوج جنایتند؛ لذا اهمیت اینها بیشتر است. (۸۰/۴/۷)

۳) استفاده از روش‌های علمی

ما نباید سطح توقع خود را از عرصه‌ی دادگاه پایین بیاوریم؛ عرصه‌ی دادگاه باید رفیع باشد. بنده بارها به مسؤولان عزیز و محترم قوه‌ی

قضایه در بخش‌های مختلف گفته‌ام که حکم باید آن‌چنان مستحکم و مستدل باشد که در همه‌ی سطوح قابل دفاع باشد. البته این به معنای آن نیست که در دیوان عالی کشور تقاضی نخواهد شد؛ چرا، ممکن است در عین حال فتوری داشته باشد؛ اما بنای قاضی در انشاء حکم و رعایت قانون و استدلال در حکم - که ذهن او را به این حکم رسانده است - باید به قدری متین باشد که هر کس حکم را دید، در دل تصدیق کند که درست است؛ هر چه عقل و سواد انسان بیشتر باشد، بیشتر تصدیق کند. در حکم به هیچ وجه نباید وهم و ضعف و فتور وجود داشته باشد. البته این کار اقتضائاتی دارد: استفاده‌ی از کارشناس‌ها، استفاده‌ی از دستگاه‌های جرم‌شناسی، استفاده‌ی از انسان‌های فکور و عاقل، دقت و صبر و بی‌نظری و بی‌طرفی، و در داخل دادگاه و هنگام طرح دعوا، نداشتن هیچ پیش‌داوری؛ اینها خیلی مهم است. اگر ما این چیزها را در دستگاه قضایی رعایت کنیم، بخش مهمی از آنچه که وظیفه‌ی مسؤولان و کارکنان قضایی است، در کنار این وظیفه‌ی بزرگ و حفظ حرمت قوه‌ی قضاییه، صورت خواهد گرفت. (۸۱/۴/۵)

یکی از دستگاه‌های تدارکات‌چی، دستگاه نخبه‌شناسی و نخبه‌پروری است؛ یعنی کادرسازی در دستگاه قضایی و راه‌اندازی تشکیلات علمی و آموزشی قوه‌ی قضاییه که بایستی بسیار پُرکار و پُر تلاش عمل کند. بخش دیگر، دستگاه‌های ارزیابی و نظارت است. بخش سوم، دستگاه‌های مدیریتی است، و بخش چهارم، دستگاه‌هایی است که حکم را مراقبت کنند که بر خلاف نباشد؛ چه آنهایی که قبل از حکم است، چه آنهایی که بعد از حکم است. بخش پنجم، مربوط به محکومان است، تا درباره‌ی آنها عدالت اجرا شود. البته همه‌ی این بخش‌ها در داخل دستگاه قضایی تعبیه شده و وجود دارد؛ با این دید بایستی به عدالت نگاه کرد. (۸۲/۴/۷)

۴) استفاده از راه‌های میان‌بر

حضرت امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) مطلبی را در نظر داشتند که من هم در آن وقت عیناً همان نظر ایشان را قبول داشتم و الان هم قبول دارم و آن این است که در مواردی، چون وضع ما وضع بدی است و از آن خط منطقی و درست خیلی عقبیم و تا بخواهیم خودمان را به آن خط - که خط قانونی است - برسانیم، احتیاج به راه میان‌بر داریم و اگر بخواهیم از راه میان‌بر حرکت نکنیم، ممکن است تا آن‌جا می‌رسیم، کار از کار گذشته باشد، این جاست که حاکم شرع و "من‌له‌الخیار" در این امر، یک راه میان‌بر را اختیار می‌کنند، این در اختیار همه نمی‌باشد و این‌طور نیست که هر کس و هر قاضی و هر دادستان و هر مسؤولی در

گوشه‌های بخواهد چیزی را برخلاف قانون بگوید و مطرح کند که این قانون، قانون دست و پاگیری است و ما جلویش را می‌بندیم، نه، این‌طور نیست. این اختیارات، موارد کاملاً محدودی دارد که خود آن، یک قانون است و "من‌له‌الخیار" در جامعه‌ی اسلامی وجود دارد که با اجازه و رأی و اذن او، می‌شود راه‌های میان‌بری را برای رسیدن به آن حداقل مشی کرد که از آن‌جا انسان شروع کند و بر اساس قانون حرکت نماید و برود. این، فقط مستثناس و لاغیر. (۶۸/۶/۲۰)

۵) دچار نشدن به دیوان‌سالاری و بوروکراسی

باید عدالت اجرا شود و تحت تأثیر هیچ چیز؛ ثروت، قدرت، دیوان‌سالاری و بوروکراسی نباید قرار بگیرد. اگر دیوان‌سالاری و تشکیلات ما عدالت را مختل می‌کند، مضر است. باید دیوان‌سالاری را به نحوی سازماندهی و تنظیم کرد که به عدالت کمک کند؛ زیرا عدالت ملاک و اصل است؛ اجرای عدالت و احقاق حق و ابطال باطل. (۸۲/۴/۷)

۶) انتخاب قضات شایسته و نظارت بر کار آن‌ها

۱) به کارگیری عناصر سالم و حذف عناصر ناصالح

به کارگیری مدیران و قضات لایق و امین و تامین شغلی آنان. (سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه، ۸۲/۹/۱۱)

در قوه‌ی قضاییه نظام جمهوری اسلامی، بیش از هر چیز، علم و آگاهی و معرفت لازم است. لذا، حوزه‌های علمیه و دانشکده‌های حقوق و مؤسساتی که مربوط به حقوق قضایی هستند، باید نخبگان خودشان را به قوه قضاییه بفرستند. به ویژه حوزه‌ی علمیه، که باید برجسته‌ترین فضلا و مجتهدان و شخصیت‌های خود را بفرستند همچنان که همیشه و از قدیم‌ترین ایام در این کشور، همین‌طور بوده است. (۷۴/۴/۷)

۲) ویژگی‌های قضات شایسته

استقلال به این معناست که وقتی قاضی می‌خواهد حکم بکند، نگاه نکند که این حکم موجب خوشایند یا عدم خوشایند چه کسانی می‌شود. در دنیا معمول است که چشم آن قاضی را که در دستش ترازوست، می‌بندند. یعنی برای صدور حکم، چشمش بسته است. این چشم بستن، یک چیز سمبلیک بسیار درستی است. (۶۸/۶/۲۰) در نظام حاکمیت اسلام، قاضی را «والی» (به تعبیر امروز ما، «ولی امر») منسوب می‌کرد اما همین قاضی، گاهی خود ولی‌امر را نیز به محاکمه و مؤاخذه می‌کشاند البته، قاضی شجاع و حقگو. زیرا قاضی‌های غیرشجاع و وابسته و «بی‌حیی بن اکثم» می‌هم، در دنیا بوده‌اند. من آن‌ها را نمی‌گویم. (۷۴/۴/۷)

۳) توانمندسازی دستگاه‌های نظارتی و

ارزیابی مداوم

قوه قضاییه، دادگستری‌های سرتاسر کشور را به رقابت فرا بخواند تا پس از گذشت چند ماه یا یک سال بتوانند یک محاسبه و ارزیابی بکنند و ببینند که کدام‌یک از دادگستری‌های کشور بیشتر توانسته است پاسخ شکایات مردم را بدهد، به دردهای آنها برسد، اطمینان آنها را جلب کند و پرونده‌ها را به بهترین وجه مختومه کند؛ این یک امتیاز بشود. (۸۱/۲/۲۲)



پیش برود و ملاحظه‌ی این را نکند که یک عده جوسازی و بدی و موذیگری و بی‌انصافی می‌کنند؛ خدای تعالی این‌ها را اصلاح خواهد کرد... البته همین‌جا این نکته را هم اضافه کنیم: تبیین حقیقت و اطلاع‌رسانی به افکار عمومی هم مهم است؛ این را هم نباید فراموش کرد. نباید مردم را در ابهام باقی گذاشت... بنابراین اقدام بکنیم، اما حقیقت را هم برای مردم تبیین کنیم. بدون تبیین حقیقت، افکار عمومی در ظلمت و قضای غبارآلود باقی خواهد ماند و دشمن سوءاستفاده خواهد کرد. (۸۲/۴/۷)

۴) اعتمادسازی

دستگاه قضایی باید مورد اعتماد عموم مردم قرار بگیرد؛ نه در صلاحیت و نه در اقتدار و صلابت او خدشه بشود. البته برای رسیدن به این نقطه، تلاش، پیگیری، کار مداوم همراه با شجاعت و توکل به خدا لازم دارد؛ که انسان نشانه‌های آن را بحمدالله مشاهده می‌کند. (۷۹/۴/۷)

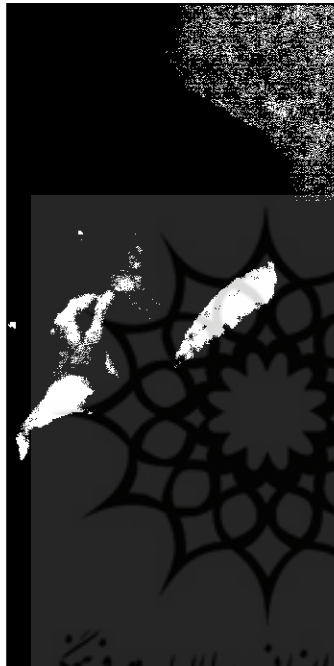
من مکرر به دوستان و برادران این نکته را عرض می‌کنم که از تخلف قضایی حتی در گوشه‌ای از کشور هم نباید اغماض و صرفنظر کرد؛ چون بدنه‌ی متصل به مردم، همین بخش‌های منتشر در سرتاسر کشور هستند؛ مردم با این‌ها تماس دارند و نزدیکند. قضاوت درباره‌ی آنها، تعمیم پیدا می‌کند به قضاوت در کل قوه‌ی قضاییه. گاهی می‌بینید یک قاضی یا یک کارمند قضایی در نقطه‌ای از کشور خدای نکرده به نحوی عمل می‌کند که نظر جمعی از مردم را نسبت به کل قوه‌ی قضاییه برمی‌گرداند و همه‌ی این زحمات و خدمات و تلاشهایی که این قدر هم قیمت دارد، به کلی از بین می‌برد. بنابراین هم اقتدار قوه‌ی قضاییه یک اصل است، هم معتمد بودن آن. باید به‌گونه‌ای عمل کرد که دل مردم گرم باشد. (۸۲/۴/۷)

۵) تبدیل شدن به ملجأ و پناهگاه برای مردم
من می‌گویم ما باید کار را به این‌جا برسانیم که اگر کسی در خیابان، کمترین تعرضی به حق کس دیگری کرد، او بگوید که من حالا سراغ قوه‌ی قضاییه می‌روم. یعنی واقعاً این حرف را با اطمینان بگوید و خودش را به اندک عکس‌العملی محتاج نداند. بنابراین، قوه‌ی قضاییه باید به معنای واقعی، مرجع و ملجأ و پناهگاه همه‌ی مردم باشد. (۶۸/۶/۲۰)

در جامعه‌ی ایرانی، به ذهن همه‌ی آحاد این مردم، خیلی آسان و آشناست که حق یک نفر را بخورند، چند سال هم دوندگی کند، به جایی هم نرسد. کدام شما و کدام یک از آحاد این ملت، چنین صورت مسأله‌ای را شنیده، یا مکرر شنیده است؟ این، باید نباشد. در جامعه‌ی اسلامی، باید

هر مظلومی احساس بکند که پناهگاهی در آن‌جا هست؛ مثل کسی که مثلاً در طوفان و کولاک خیلی سختی، یا در جاده‌ی خطرناکی در شب حرکت می‌کند، پناهگاهی هم در نقطه‌ای قرار دارد، خودش را سینه‌خیز هم که شده، به آن‌جا خواهد رساند و مطمئن است آن‌جا که رسید، دیگر خیالش بایستی آسوده باشد. آن پناهگاه، قوه‌ی قضاییه است. فرق هم نمی‌کند؛ همه‌ی قشرها باید این احساس را داشته باشند. این غلط است که ما بگوییم فلان کسان، نزدیک دادگستری نیایند که نمی‌رسیم. نه، به همه می‌رسیم. (۶۹/۴/۴)

شما نگاه کنید ببینید از قوه‌ی قضاییه چه انتظاری هست، که این انتظارات در قانون اساسی ما آمده است. اگر شما به ذهنیت عامه‌ی مردم و



به ذهنیت اسلامی نگاه کنید، می‌بینید که توقع از قوه‌ی قضاییه این است که عدالت در زندگی مردم ملموس شود؛ عدالت را حس کنند و این عمومیت پیدا کند - همین‌طور که من یک وقتی به شما عرض کردم - طوری شود که هر کس که مورد ستمی کوچک یا بزرگ قرار گرفت، فروغ‌امیدی در دل او باشد که حالا می‌روم به قوه‌ی قضاییه مراجعه می‌کنم و داد خود را می‌ستانم. (۸۲/۴/۷)

و) توجه به راهکارهای اسلامی

۱) توجه به معیارهای اسلامی

نکته‌ی [مهم] این است که قوه‌ی قضاییه‌ی ما براساس شرع است؛ اگر براساس شرع نباشد، غلط است؛ چون نظام، نظام اسلامی است. هر بخشی از این قوه که شرعی نباشد، موافق با مقررات اسلامی قضا نباشد، آن بخش نه مایه‌ی افتخار، نه موجب ثواب است و نه کارگشاست. قضای

اسلامی است که کارگشاست. قضای اسلامی است که در آن، از همه‌ی مفاسد می‌شود جلوگیری کرد. این مشکل قضای غربی - که غربیها در فیلمهای تبلیغاتی هم آن را زور می‌دهند و آرایش می‌کنند - نشان داده است که کارایی ندارد. هر کس که اطلاع داشته باشد، می‌بیند که آن دستگاه قضایی لنگ می‌ماند و در خدمت ظلم قرار می‌گیرد. آن دستگاه قضایی که این استعداد را دارد که در همه‌ی شرایط با ظلم مقابله کند، دستگاه قضای اسلامی است. هر چه ممکن است، سعی کنید دستگاه قضا را اسلامی‌تر کنید. (۷۸/۷/۴)

ما به معیارهای قضایی متقنی که در اسلام وجود دارد، افتخار می‌کنیم و براساس همان معیارها نیز حرکت می‌کنیم و معتقدیم عدالت در جامعه‌ی اسلامی از طریق قضای اسلامی می‌تواند تأمین شود. (۶۸/۴/۷)

۲) الگوگیری از امیرالمؤمنین (علیه السلام)
واقعاً ما باید تفکرات امروز خود را، با آنچه که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة‌والسلام) انجام می‌دادند، تصحیح کنیم. سیاستهای اصلی قوه‌ی قضاییه اینهاست. (۷۰/۴/۵)

ز) حمایت و همکاری با قوه‌ی قضاییه

۱) پرهیز از تضعیف قوه‌ی قضاییه

به مسؤولان قوه‌ی قضاییه سفارش کرده‌ام مراقب رفتار عمومی قوه‌ی قضاییه در بخش‌های مختلف، در اجرای احکام و در اداره‌ی صحیح محاکم قضایی باشند تا بهانه به دست دیگران نیفتد و دوستان منتقد یا دشمنان معترض نتوانند قوه‌ی قضاییه را زیر سؤال ببرند تا ابزار مهم تأمین عدالت در جامعه - که قوه‌ی قضاییه است - در چشمها ساقط و بی‌اثر نشود. (۸۱/۸/۲۰)

عرض ما به قوه‌ی قضاییه این است که اگر ما می‌گوییم قوه‌ی قضاییه تضعیف نشود، این تضعیف همیشه از بیرون قوه نیست؛ گاهی تضعیف از درون قوه است. کسی که داخل قوه‌ی قضاییه است، مسؤولیتی دارد. اگر با روش و رفتار و گفتار خود کاری کند که قوه‌ی قضاییه تضعیف شود، این هم یکی از انواع تضعیف است. قوه‌ی قضاییه با مسؤولیت عظیمی که دارد، در همه‌ی سطوح - از بالا تا پایین - خیلی باید با دقت و مراقبت حرکت کند. چیزی که اسلام می‌خواهد، این است که قاضی، باتقوا و عالم و اهل اجتهاد باشد. البته این‌جا اجتهاد، یک اجتهاد مصطلح فقهی است که حدی از تخصص علمی و فقهی را می‌طلبد. ممکن است در این حد، امروز برای کل دستگاه قضایی میسر نباشد - که نیست - و قضات منصوب هستند؛ لیکن در کنار این، می‌توان معنای دیگری هم برای اجتهاد فرض کرد؛ یعنی ابتکار در شناخت صحنه‌ی قضاء و نوع برخورد با



راهکارهای عدالت قضایی

ترتیب، با انضباط، با فکر درست و با برنامه‌ریزی انجام بگیرد، لیکن جهت درست، همین جهت است و ما نباید یک گوشه‌ای را که خود موجب نابودسازی اصالت‌ها و شرافت‌ها و ارزش‌هاست، درست کنیم. البته گفتن این حرف‌ها آسان است؛ عمل کردنش بسیار دشوار است؛ همان طور که فرمود: «الحق اوسع الاشياء فی التواصف و اضيقها فی التناصف»؛ حق در توصیف زبانی خیلی چیز خوبی است؛ خیلی چیز گشوده و گسترده دامنی است که درباره‌ی آن می‌شود حرفی کرد؛ اما وقتی بنا شد که به آن عمل شود، آن جا کار دشوار می‌شود. این دشواری به معنای ناممکن بودن نیست، بلکه تلاش، همت، پیگیری و استفاده‌ی از علم و عقل و تدبیر و همکاری لازم دارد. (۸۲/۴/۷)

ما نباید خیال کنیم که عدالت درباره‌ی کسی که محکوم به زندان شده، این است که او را به زندان بیندازیم و سر موعد هم آزادش کنیم. این فقط بخشی از عدالت است. بخش دیگر این است که زندان برای او جایی نباشد که او را فاسد یا فاسدتر کند یا شخصیت او را از بین ببرد یا خانواده‌ی او را بیچاره‌تر کند. این گرایش که امروز در قوه قضاییه برای زندان‌زدایی است، بسیار نقطه مثبت و خوبی است.

برطرف بشود. باید ضد اسلام‌ها، اسلامی بشود. یعنی اگر ما می‌خواهیم برگردیم و امام به قوانین و اصلاح آنها را انجام بدهیم، از این بعد نگاه بکنیم، نه این که حالا ما قانون کم داریم، بیاییم قانون بگذاریم، نه، الحمدلله قانون فراوان است. (۶۸/۶/۲۰)

اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تداخل میان وظایف نهادهای نظارتی و بازرسی. (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه به رئیس جمهور، ۸۲/۹/۱۱)

ط) عملکرد صحیح مسئولین

اگر ما در بالا، گوشه‌ای از امر قسط و قسط خواهی و عدالت خواهی و دلسوختگی برای عدالت را کم ببینیم، لامحاله در دامنه نقایص زیادی به

جرم در چارچوب قانون. ممکن است یک قانون همه جا نسبت به همه‌ی مجرمان اقتضای مشابهی نداشته باشد؛ این جا هوشمندی قاضی لازم است. قاضی همچنین باید طهارت و اخلاص و شجاعت کافی داشته باشد و فهیم و بصیر باشد. در قضا، تا آن جایی که ممکن بشود، ما به این خصوصیات احتیاج داریم. (۸۱/۴/۵)

انتقاد در جامعه چیز خوبی است؛ زیرا انتقاد موجب می‌شود انتقاد شونده بتواند نقاط قوت و ضعف خود را بفهمد و همچنین ناظران صحنه بتوانند بفهمند؛ این به پیشرفت کار کمک می‌کند؛ لیکن انتقاد، غیر از عیبجویی - آن هم عیبجویی خصمانه - است. نباید قوه‌ی قضاییه را تضعیف کرد. قاضی برای این که بتواند در جایگاه پیغمبر، درست و با استقراار بنشیند و عمل کند، احتیاج دارد که مورد حمایت نظام باشد؛ احساس کند که حمایت و تقویت می‌شود و در چشم مردم منزلت دارد؛ این دو چیز را لازم دارد؛ منزلت در نظر عموم، و حمایت از سوی مسوولان. اگر باب انتقادهای غیر منطقی و خصمانه و عیبجویانه و احیاناً با انگیزه‌های سیاسی به سمت قوه‌ی قضاییه باز شد، به هر دوی این‌ها ضربه خواهد خورد؛ قاضی و دستگاه قضا از چشم مردم می‌افتد و حمایت مسوولان را هم از دست می‌دهد. آنگاه ما چطور در این فضا توقع داشته باشیم که قاضی بیاید با شجاعت بایستد و یک ظالم و متخلف از قانون را - که هم زور و هم زر دارد - به پای میز محاکمه بکشاند و هیچ‌گونه تحت تأثیر او قرار نگیرد؛ این کار، آسان نیست. اگر ما بخواهیم قاضی این شجاعت و صلابت و اقتدار را داشته باشد که چنین بارهای سنگینی را که از او توقع داریم، بردارد، باید این قاضی و دستگاهی را که حامی این قاضی است، اولاً مورد حمایت قرار دهیم؛ ثانیاً منزلت او را در چشم مردم حفظ کنیم. (۸۱/۴/۵)



شورای عالی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تالار جامع علوم انسانی

وجود خواهد آمد. در حقیقت، این شما هستید که "ینحدر منکم السیل". شما هستید که عدالت را به دامنه می‌ریزید تا همه این انگیزه را داشته باشند. (۶۸/۶/۲۰)

ظ) اصلاح زندان‌ها

درباره‌ی محکومان باید گفت که ما نباید خیال کنیم که عدالت درباره‌ی کسی که محکوم به زندان شده، این است که او را به زندان بیندازیم و سر موعد هم آزادش کنیم. این، فقط بخشی از عدالت است. بخش دیگر این است که زندان برای او جایی نباشد که او را فاسد یا فاسدتر کند یا شخصیت او را از بین ببرد یا خانواده‌ی او را بیچاره کند. این گرایش که امروز در قوه‌ی قضاییه برای زندان‌زدایی هست، بسیار نقطه‌ی مثبت و خوبی است. البته بدون تردید کار بایستی با نظم، با

۲) همکاری قوه‌ی قضاییه با نیروی انتظامی بخشی از امنیت که قابل اهمیت است، به عهده‌ی شما عزیزان نیروی انتظامی است. راه اصلاح و تکمیل و گسترش کیفی و همچنین به قدر لازم گسترش کمی را با جدیت و قدرت دنبال کنید؛ همین‌طوری که بحمدالله چندی است احساس می‌شود که در نیروی انتظامی واقعاً حرکتی محسوس است. همین حرکت را با قوت و قدرت ادامه بدهید؛ خدا هم به شما کمک خواهد کرد. البته مسوولان بودجه و پشتیبانی هم باید اهمیت این مسأله را بفهمند و تا آن جایی که ظرفیت کشور اجازه می‌دهد، همکاری و کمک کنند. (۷۶/۴/۲۵)

ح) اصلاح قوانین

باید ابهام قوانین مبهم و تناقض قوانین متناقض

